

قاچاق زنان و کودکان برای
بهره‌کشی جنسی
(از منع جهانی تا حمایت از بزه‌دیدگان)

مصطفی‌السان*

بهره‌کشی جنسی از زنان و کودکان، اگرچه گذشته‌ای دراز دارد، اما در دهه‌های اخیر شکل منظم و سازمان یافته به خود گرفته و جهانی شده است. در این مقاله، مقررات و اسناد بین‌المللی و نیز قوانین داخلی برخی از کشورهای درگیر این مساله، درباره قاچاق زنان و کودکان به قصد بهره‌کشی جنسی بررسی می‌شود. خواهیم دید که چگونه با افزایش بزه‌دیدگان این دسته از جرایم، مقررات بین‌المللی به بررسی دقیق‌تر حقوق بزه‌دیدگان و ضرورت حمایت از ایشان متمایل شده‌اند. دو اصل مهم «ممنوعیت بی قید و شرط بهره‌کشی جنسی» و «ضرورت حمایت از بزه‌دیدگان، بدون توجه به رضایت و تابعیت آن‌ها» مبنای عمل قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: حقوق بزه‌دیدگان، زن، سوء استفاده جنسی، قاچاق انسان، کودک، گردشگری جنسی

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۴/۲/۷

تاریخ دریافت مقاله: ۸۳/۱۰/۲۶

مقدمه

قاچاق زنان و کودکان برای بهره‌کشی جنسی، تمام دنیا را اعم از مبدأ، مقصد و مسیر درگیر کرده است. وجود این حوزه وسیع برای یک جرم بین‌المللی، فی‌نفسه قابل تأمل و در عین حال حاکی از واقعیت تلخ «سختی کنترل» آن است. سوداگران جنسی دارای شبکه منظمی از قاچاقچیان و دلانی هستند که زنان و کودکان جویای کار را شکار می‌کنند. از بعد سیاسی، این جرم نه تنها قربانیان خاص خود را دارد، بلکه به لحاظ ارتباط با حیثیت بین‌المللی دولت‌ها و مسایل سیاسی و اقتصادی و اجتماعی، دولت‌ها را نیز وارد صحنه کرده است.

*دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی < Mostafaalsan@yahoo.com >

مساله وقتی تأسف بار می شود که دو مشکل مهم در جریان توسعه قاچاق جنسی از یک سو و پیگرد مرتکبین از سوی دیگر پدیدار می شود: گسترش گروه های همجنس باز، کم رنگ شدن اعتقادات مذهبی و اخلاقی، بی توجهی به آثار جسمی و روحی تجاوز به کودکان و اهمیت ندادن به امکان شیوع بیماری های مهلکی چون ایدز باعث شده تا جنس «پسر» نیز وارد لیست دلانان جنسی شده و بسان کالایی برای رضایت مندی گردشگران جنسی مبادله شود. پیگرد پلیسی و قضایی قاچاقچیان بین المللی نیز به دلیل عواملی چون نامشروع بودن قاچاق و در نتیجه مخفی بودن آن، گسترده بودن حوزه عملیاتی قاچاقچیان، جرم نبودن روسپیگری در برخی از کشورها، با مشکل روبرو شده است.

از بعد تاریخی، اگرچه بازار تجارت جنسی برای دهه های متوالی در آسیای شرقی دایر بوده، اما فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و به طور کلی نظام سوسیالیستی در کشورهای اروپای شرقی، هزاران زن و دختر را روانه آن ساخت. علاوه بر کشورهایی چون تایلند، اندونزی، کامبوج، لائوس و هند در آسیا؛ کشورهای بلاروس، لیتوانی، مولداوی، روسیه و اوکراین در اروپای شرقی؛ کنیا و نیجریه در آفریقا و مکزیک، برزیل و جامائیکا در آمریکا، حوزه های خوبی برای تأمین قربانیان قاچاق جنسی به شمار می آیند (در رابطه با کشورهای اروپای شرقی: (هیوز، ۲۰۰۱: ۹) و راجع به کلیه کشورهای درگیر: گزارش قاچاق انسان، حقوق بشر: درآمدی بر حمایت از بزه دیدگان، ۲۰۰۲). همه ساله هزاران زن و کودک از این کشورها به اروپای غربی، آمریکای شمالی، اسرائیل و برخی از کشورهای عربی قاچاق می شوند. بنابر تجربه جهانی موجود، سیاست گذاری قبل از رواج این پدیده بهترین راه برای جلوگیری از تحقق و توسعه قاچاق جنسی است؛ زیرا در صورت شروع، معلوم نیست که چگونه می توان با ابعاد گوناگون این «تجارت کثیف»، که ویژگی های آن تشریح خواهد شد مقابله کرد.

(۱) کلیات

قاچاق به قصد بهره کشی جنسی (به اختصار، قاچاق جنسی: Sexual Trafficking) یکی از

اقسام فاجاق انسان در سطح بین‌المللی به شمار می‌آید که در اسناد و مقررات بین‌المللی منع و مباحثی در مورد جنبه‌های مختلف آن طرح شده است. در این گفتار، در دو قسمت جداگانه، ابتدا به مفهوم فاجاق جنسی و سپس به ویژگی‌های آن خواهیم پرداخت.

۱-۱) مفهوم فاجاق جنسی

چنانچه گفته شد، فاجاق جنسی یکی از اقسام فاجاق انسان است؛ بنابراین برای درک مفهوم دقیق آن باید فاجاق انسان به مفهوم عام را تعریف کرد. بند الف ماده ۳ «پروتکل الحاقی به کنوانسیون پالرمو راجع به پیشگیری، منع و مجازات فاجاق انسان‌ها، به‌ویژه زنان و کودکان» (از این به بعد، پروتکل پالرمو)، که در سال ۲۰۰۰ به منظور تکمیل «کنوانسیون سازمان ملل متحد که پیرامون مبارزه با جرایم سازمان یافته بین‌المللی» (مشهور به کنوانسیون پالرمو) تصویب شده است*، در تعریف فاجاق انسان چنین مقرر می‌دارد:

«فاجاق انسان عبارت است از عضوگیری، جابجایی، انتقال و پناه دادن به اشخاص جذب شده، با توسل به تهدید یا زور یا هر وسیله دیگر، از طریق ربایش، فریب، خدعه، سوء استفاده از آسیب‌پذیری (بزه‌دیده) یا از طریق پرداخت پول یا هر امتیاز مالی برای جلب رضایت شخصی که اختیار دیگری با اوست، به قصد بهره‌کشی و بهره‌کشی، شامل حداقل سوء استفاده برای روسپیگری یا سایر اشکال بهره‌کشی جنسی، کار یا خدمت اجباری، بردگی یا اعمال مشابه آن، بندگی یا برداشت اعضای بدن خواهد بود».

در حقوق ایران، به موجب ماده ۱ «قانون مبارزه با فاجاق انسان»، مصوب ۱۳۸۳/۴/۲۸ مجلس شورای اسلامی، «فاجاق انسان عبارت است از:

الف. خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیر مجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور

* پروتکل فوق‌الذکر یکی از پروتکل‌های تکمیلی کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به مبارزه با جرایم سازمان یافته بین‌المللی به شمار می‌آید. دیگر پروتکل تکمیلی کنوانسیون «پروتکل مقابله با فاجاق مهاجران از طریق زمین، دریا و هوا» میباشد. اگر چه متن کنوانسیون و هر دو پروتکل در پالرمو، ایتالیا به سال ۲۰۰۰ تدوین گردیده است، اما مقصود ما از «پروتکل پالرمو» در این مقاله، پروتکل راجع به منع، محو و مجازات فاجاق انسان‌ها، به‌ویژه زنان و کودکان است. بند ۱ ماده ۱ پروتکل پالرمو ضمن اشاره به تکمیلی بودن پروتکل مذکور، بر ضرورت تفسیر آن همراه با اصل کنوانسیون تصریح دارد. مناسبانه ایران تا کنون هیچکدام از پروتکل‌های مذکور را امضا نکرده و به آن‌ها ملحق نشده است. همین امر فی نفسه مشکلات عمده‌ای را از حیث هماهنگی میان دولت‌ها در مبارزه هماهنگ با فاجاق انسان ایجاد می‌کند. بنابر این، چنانچه در متن مقاله نیز تأکید خواهد شد، پیوستن هرچه سریع‌تر کشورمان به اسناد فوق‌الذکر بسیار ضروری است.

با اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوء استفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوء استفاده از وضعیت فرد یا افراد یاد شده، به قصد فحشا یا برداشت اعضاء و جوارح، بردگی و ازدواج.

ب. تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی نمودن یا فراهم ساختن موجبات اخفاء افراد موضوع بند (الف) این ماده پس از عبور از مرز با همان مقصود».

این تعریف به آنچه که از پروتکل پالمو نقل شد، شباهت بسیاری دارد و از آن اقتباس شده است. البته، ماده ۲ قانون مبارزه با قاچاق انسان، تشکیل یا اداره دسته یا گروه با هدف قاچاق انسان، خارج یا وارد ساختن یا ترانزیت سازمان یافته اشخاص به قصد فحشا یا سایر مقاصد مذکور در ماده ۱ را «در حکم قاچاق انسان» و مشمول مجازات آن دانسته است.

در بند ۳ ماده ۱ «کنوانسیون اتحادیه آسیای شرقی برای همکاری منطقه‌ای (سارس) راجع به پیشگیری و مبارزه با قاچاق زنان و کودکان برای روسپیگری» که به سال ۲۰۰۲ در کاتماندو (پایتخت نپال) به تصویب رسیده است تعریفی ارائه شده که با ماهیت قاچاق جنسی انسان انطباق بیشتری دارد. به موجب این بند، قاچاق عبارت است از: «انتقال و خرید و فروش زنان و کودکان در درون و بیرون کشورها برای بهره‌کشی با استفاده از پول یا سایر مزایا، اعم از اینکه با رضایت یا بدون رضایت شخص باشد». بنابراین کنوانسیون سارس، انتقال و خرید و فروش زنان و کودکان در «داخل» کشورها را نیز از مصادیق قاچاق انسان می‌داند و از این لحاظ کامل‌تر از مواد ۱ و ۲ قانون مبارزه با قاچاق کشورمان است که بین‌المللی بودن امر نقل و انتقال انسان را از ارکان تشکیل دهنده این جرم محسوب می‌دارد.

با لحاظ آنچه گفته شد، قاچاق انسان برای بهره‌کشی جنسی را می‌توان به شرح زیر تعریف کرد:

«قاچاق انسان به قصد بهره‌کشی جنسی عبارت است از عمل مجرمانه خارج یا وارد ساختن یا ترانزیت مجاز یا غیر مجاز فرد یا افراد در سطح بین‌المللی با توسل به هر شیوه ممکن، از قبیل اکراه، تهدید، اجبار، تطمیع یا سوء استفاده از اضطرار اقتصادی قربانی و... بدون اینکه میزان سوء استفاده یا رضایت بزه‌دیده، تأثیری در صدق عنوان مجرم بر مرتکب

یا مرتکبین آن داشته باشد».

از تعریف اخیر می‌توان ویژگی‌هایی را برای قاجاق به قصد بهره‌کشی جنسی استنباط کرد که به ترتیب مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱-۲) ویژگی‌های قاجاق جنسی

قاجاق انسان به منظور سوء استفاده و بهره‌کشی جنسی دارای ویژگی‌های زیر است:

- بین‌المللی بودن
- سازمان یافته بودن جرم
- بی تأثیر بودن شرایط بزه‌دیده در تحقق عنوان مجرمانه
- بی تأثیر بودن میزان سوء استفاده در تحقق عنوان مجرمانه

۱-۲-۱) بین‌المللی بودن

قانون مبارزه با قاجاق انسان، و بسیاری از اسناد بین‌المللی موجود (بجز کنوانسیون سارس) بین‌المللی بودن جرم قاجاق انسان را مورد تصریح قرار داده‌اند. «امروزه ویژگی بین‌المللی بودن در بسیاری از جرم‌های سازمان یافته به ویژگی‌های این جرم افزوده شده است» (شمس‌ناتری، ۱۳۸۰: ۳۳). جهانی شدن اقتصاد، امکان ایجاد شبکه‌های جهانی برای ارتکاب جرم را فراهم ساخته است. در عصر فناوری اطلاعات، مجرمین بین‌المللی به راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند (کارینگتون و چین، ۲۰۰۳: ۲). چنانچه اینترنت و سرویس گپ‌زنی (چت) بهترین وسیله برای ارتباط شنیداری و حتی دیداری چندین مجرم از نقاط مختلف جهان در آن واحد است. همین امر منجر به تسهیل جرم قاجاق اشخاص به قصد بهره‌کشی جنسی گردیده است. از تعاریف ارائه شده برای قاجاق انسان می‌توان بعد بین‌المللی قاجاق جنسی را استنباط کرد. به علاوه، همانطور که گفته شد، پروتکل پالمو در تکمیل «کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به مبارزه با جرایم سازمان یافته بین‌المللی» به تصویب رسیده و همین امر دلیل مهمی بر بین‌المللی بودن قاجاق جنسی به شمار می‌آید. زیرا از جمله اهداف

کنوانسیون، جرم انگاری اعمالی است که در دولت‌های عضو جرم محسوب نشده است. (شمسی‌اژی، ۱۳۷۹: ۹۲-۹۱).

احراز جنبه «بین‌المللی» برای قاچاق جنسی، دلیل بر عدم وقوع آن در داخل کشورها نیست؛ در اکثر کشورها - به‌ویژه کشورهای فقیر یا فاقد ضمانت‌های اجرایی و کیفری مناسب - زنان و کودکان از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ همان کشور قاچاق شده و برای انواع سوء استفاده جنسی دست به دست می‌شوند. در این مورد، آپرمن (۱۹۹۹) در تحقیق خود بهتر از همه نشان می‌دهد که چگونه گردشگران جنسی، تنها با هدف بهره‌کشی زنان و کودکان به کشورهایی چون تایلند، فیلیپین، برزیل، کوبا و جمهوری دومینیکن عزیمت می‌کنند.

۲-۲-۱) سازمان یافته بودن قاچاق جنسی

قاچاق جنسی در زمره جرایم سازمان یافته بین‌المللی به شمار می‌آید. کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته بین‌المللی، «گروه مجرمانه سازمان یافته» را در بند الف ماده ۲، چنین تعریف می‌کند، «به معنی گروه‌های متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای مدت زمانی اعلام موجودیت کرده و با هماهنگی یکدیگر یک یا چند جرم مشدد یا جرایمی را که به موجب این کنوانسیون برای تحصیل مستقیم یا غیر مستقیم منافع پولی یا مادی دیگر انجام می‌شود، مرتکب می‌شوند». بند (ج) همان ماده نیز در تعریف گروه ساختارمند (Structured Group) می‌گوید: «گروهی که به طور ناگهانی، برای انجام آنی یک جرم شکل نمی‌گیرند و (برای صدق عنوان) نیازی به داشتن قواعد تعریف شده و تشریفات از حیث (ترکیب) اعضا، اتحاد آنها یا توسعه سازمانی وجود ندارد». علت سازمان یافتگی جرایمی همچون قاچاق جنسی را باید منافع سرشار اقتصادی آن برای مرتکبین دانست. از بعد جرم‌شناسی، «بزه‌کاری سازمان یافته، نوع پیشرفته‌ای از الگوی مشارکت است که در آن بزه‌کاران به ارتکاب اعمال ضد اجتماعی با هدف کسب درآمد و فواید مالی می‌پردازند» (شمسی‌اژی، ۱۳۷۹: ۹). به عبارت دیگر، جرم سازمان یافته «جرمی است که شاخص تدارک و ارتکاب آن تشکیلاتی روشنند

است که اغلب برای مباشران آن امکانات معاش فراهم می‌کند» (بوریکان، ۱۳۷۷: ۳۱۶). به همین دلیل است که در نظر پاره‌ای از تحلیل‌گران، از فاجاق جنسی و قوادی* خارجیان باید به عنوان یک «صنعت» و «تجارت» نام برد.

گروه‌های سازمان یافته برای فاجاق جنسی ممکن است شبکه بزرگی مرکب از صدها نفر عامل برای یافتن طعمه، تطمیع یا تحریک یا تهدید او، جذب و نگاهداری، صدور و ترانزیت و در نتیجه ارایه برای سوء استفاده جنسی و نگهداری برای جلوگیری از فرار یا نافرمانی را شامل بشود. برای مثال بنابر گزارش اف.بی.آی و سرویس امنیتی اسرائیل یک فاجاقچی بین‌المللی به نام موگیلوویچ (Mogilevich)، علاوه بر فاجاق جنسی، در فاجاق اسلحه و مواد مخدر و کلاهبرداری نیز فعال بود. او سردستگی شبکه‌ای بزرگ برای بهره‌کشی جنسی در یک کلون شبانه در بوداپست و پراگ را بر عهده داشت. شبکه مخوف او در جمهوری چک، مجارستان، اوکراین و ایالات متحده فعالیت می‌کرد (هیوز، ۲۰۰۱: ۱۳).

در حقوق ایران به نظر می‌رسد که با وضع قانون مبارزه با فاجاق انسان، نباید «سازمان یافته بون» را از ارکان این جرم محسوب داشت. زیرا از مواد ۱ و ۲ قانون مذکور چنین

* اگرچه قوادی و فاجاق انسان برای بهره‌کشی جنسی و سوء استفاده از قربانیان فاجاق مشابهت‌هایی با هم دارند، برای مثال اینکه ممکن است پاره‌ای از گروه‌ها تنها به عنوان قواد با فاجاقچیان همکاری نمایند. اما در بیان تفاوت میان آن‌ها باید خاطر نشان ساخت که، اولاً، برای تحقق قوادی تعدد مرتکبین شرط نیست و به استناد ماده ۱۳۵ ق.م.ا و مبنای فقهی، این جرم با جمع و مرتبط کردن دو نفر یا بیشتر برای زنا و لواط توسط یک نفر نیز محقق می‌گردد. ثانیاً، قوادی در حقوق کشورمان مستوجب مجازات «حد» است، حال آنکه فاجاق به شرح فوق جرم شدیدتری را تشکیل می‌دهد و به استناد ماده ۳ قانون مبارزه با فاجاق انسان، «چنانچه عمل مرتکب «فاجاق انسان» از مصادیق مندرج در قانون مجازات اسلامی باشد مطابق مجازات های مقرر در قانون یادشده و در غیر این صورت به حبس از دو تا ده سال و پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده است، محکوم می‌شود». به استناد قسمت اول ماده، ممکن است به هنگام ارتکاب جرم فاجاق انسان، افعالی صورت گیرد که مصداق قوادی و مشمول مجازات آن باشد. ثالثاً، چنانچه در ماده ۱ و ۲ قانون فاجاق نیز به صراحت ذکر شده، این جرم از جمله جرایم بین‌المللی است و امکان تحقق آن بدون وجود عنصر خارجی (خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت فرد یا افراد از مرزهای کشور، تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی نمودن یا فراهم ساختن موجبات اخفاء فرد یا افراد پس از عبور از مرزهای کشور) وجود ندارد. البته این طرز تفکی از حیث ضرورت جرم‌انگاری فاجاق داخلی دارای ایراد است. رابعاً، «سازمان یافتگی» یکی از ارکان اصلی جرم فاجاق انسان است حال آنکه به هیچ وجه از ارکان جرم قوادی شمرده نمی‌شود. البته، چنانچه گفته شد، با وضع قانون مبارزه با فاجاق انسان در حقوق کشورمان باید در اطلاق این رکن تردید کرد.

استنباط می‌شود که تعدد مرتکبین و سازمان یافتگی گروه مجرمان، از ارکان تحقق جرم قاچاق انسان نیست. چنانچه در ماده ۳ نیز از واژه «مرتکب» استفاده شده که دلالت بر این دارد که قاچاق یک انسان، توسط یک نفر و تنها برای یک بار، موجب تحقق جرم قاچاق انسان خواهد بود. این طرز تلقی از حیث جرم‌انگاری وسیع قاچاق انسان صحیح به نظر می‌رسد. البته باید آن را نوعی انحراف از پروتکل پالمو به حساب آورد که در آن جرم قاچاق زنان و کودکان برای بهره‌کشی جنسی در زمره «جرایم سازمان یافته» آمده است.

ویژگی دیگر قاچاق جنسی بین‌المللی، جرم بودن آن است. بر خلاف «سازمان یافتگی» این دسته از اعمال - که تردیدی در معایرت آن‌ها با ابتدایی‌ترین حقوق بشر وجود ندارد - گروهی از محققان، جرم بودن قاچاق جنسی به قصد بهره‌کشی جنسی را، به‌ویژه در حالتی که «قربانی» بدان رضایت دارد، مورد بحث قرار داده‌اند (ریگا، ۲۰۰۳: ۲۴-۲۳). در بحث از بی‌تأثیر بودن شرایط بزه‌دیده خواهیم گفت که رضایت او به هیچ عنوان مانع از تحقق جرم قاچاق جنسی انسان نسبت به عوامل قاچاق و دلالتی نخواهد بود. اگرچه این تردید در کشورهایی که روسپیگری را تحت شرایطی جرم نمی‌دانند، منجر به اشکالاتی شده و اثبات قاچاق بین‌المللی زنان و کودکان برای بهره‌کشی جنسی را با دشواری مواجه ساخته است.

۱-۲-۳) بی‌تأثیر بودن شرایط بزه‌دیده

در تحقق عنوان جرم بین‌المللی و سازمان یافته قاچاق جنسی، شرایط بزه‌دیده را باید فاقد اثر دانست. این شرایط را می‌توان ذیل دو عنوان جداگانه بررسی کرد.

۱-۲-۳-۱) رضایت بزه‌دیده

جلب رضایت بزه‌دیده، مانع از تحقق عنوان مجرمانه قاچاق جنسی نخواهد بود. پروتکل پالمو - علی‌رغم مخالفت‌های موجود - در بند «ب» ماده ۳ به صراحت مقرر داشته که رضایت بزه‌دیده (قربانی) هیچ تأثیری در تحقق عنوان قاچاق ندارد. علی‌رغم اینکه رویه اتخاذ شده در پروتکل بین سوء استفاده جنسی اختیاری و اجباری تفاوت قائل نشده، و این

امر مخالفت‌های زیادی را در پی داشته، اما اکثر حقوق‌دانان این امر را شکل جامع حمایت از بزه‌دیدگان محسوب داشته‌اند. ایالات متحده به هنگام بحث درباره پروتکل اعلام داشت که تعریف فاجاق جنسی بدون در نظر گرفتن انگیزه و صرف‌نظر از رضایت یا عدم رضایت قربانی، پذیرش پروتکل را در سطح جهانی با اشکال روبرو می‌سازد و باید به تعریفی اجماعی دست یافت. با این حال این اجماع به نوعی حاصل شد، چرا که کشورهای آرژانتین، مکزیک، ونزوئلا، کلمبیا، چین، مصر، امارات متحده عربی، سوریه، الجزایر، بنگلادش، پاکستان، هند و بورکینافاسو خواستار برخورد جدی و تعقیب کامل فاجاقچیان شدند (ریموند، ۲۰۰۲: ۴۹۷).

به‌علاوه آنچه که در پروتکل پالمو آمده، تخطی از مقررات موجود در سطح بین‌المللی نیست. زیرا قبل از آن، ماده ۱ کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به جلوگیری از فاجاق انسان‌ها و بهره‌کشی اشخاص برای فحشا^۱، مصوب ۲ دسامبر ۱۹۴۹ مجمع عمومی، در بندهای ۱ و ۲ ماده ۱؛ به‌صراحت، عضوگیری، تحریک و راهنمایی بزه‌دیدگان برای فحشا را ولو با رضایت ایشان مستوجب التزام دولت‌ها به مجازات مرتکبین دانسته بود. ماده ۱ «قرارداد بین‌المللی راجع به جلوگیری از معامله نسوان کبیره»^۲ مصوب ۱۱ اکتبر ۱۹۳۳ به طور عام و بدون هیچ تفکیک یا تحدیدی به رضایت، جرم سوء استفاده جنسی را جرم و قابل مجازات می‌داند. به موجب این ماده، «هر کس برای شهوت‌رانی دیگری زن و یا دختر کبیره‌ای را ولو با رضایت خودش برای فسق در مملکت دیگری اجیر و جلب و یا از راه عفت منحرف سازد و لو عملیات مختلفی که مبانی جرم محسوب می‌شود در ممالک دیگر صورت گرفته باشد، باید مجازات شود. شروع ارتکاب جرم نیز قابل مجازات می‌باشد و همین طور عملیات مقدماتی ارتکاب جرم در حدود قوانین قابل مجازات است» (به نقل از: مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، ۱۳۸۱: ۱۸۵ به بعد).

در قانون مبارزه با فاجاق انسان نیز به موجب بند ب و ج ماده ۲، خارج یا وارد ساختن یا ترانزیت و حمل و نقل مجاز یا غیر مجاز افراد، ولو با رضایت ایشان، در حکم فاجاق انسان محسوب گردیده است.

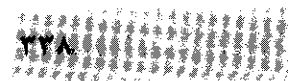
تنها تردیدی که باقی می‌ماند، «اعلامیه منع خشونت علیه زنان» است که در کنفرانس جهانی حقوق بشر در شهر وین به سال ۱۹۹۳ تصویب شده و به موجب آن - به زعم برخی از نویسندگان - تنها فاحشگی اجباری به عنوان خطری برای حقوق بشر مطرح شده است (ریگا، ۲۰۰۳: ۲۳). در پاسخ به این طرز تلقی باید گفت که اگرچه اعلامیه مذکور به صراحت، روسپیگری را به عنوان خشونت علیه زنان محسوب نکرده، ولی آن را از شمول اعلامیه استثنا نکرده است و چه بسا بتوان با توسل به قسمت نخست ماده ۲ اعلامیه (که در مقام شمارش موارد خشونت علیه زنان آن‌ها را حصری ندانسته) شرایط قربانیان قاچاق جنسی بین‌المللی را با آن تطبیق داد.

۲-۳-۱) بی‌تأثیری مجرمیت قاچاق شونده

ممکن است این تصور به ذهن برسد که بزه‌دیده نیز خود به نوعی مجرم است: او در اکثر موارد - حداقل در مراحل نخست جذب و بهره‌کشی - تحت شرایطی که علی‌الاصول تأثیری در مجرمیت او ندارد، به خودفروشی راضی شده یا بدون داشتن اوراق هویت و گذرنامه معتبر از کشور متبوع یا محل اقامت خویش خارج می‌شود و به همین دلیل نباید صرف صدور او به خارج از کشور را مستلزم مجرمیت عاملین آن دانست. نادرستی این تصور و در عین حال خطرناک بودن آن در مباحث آتی آشکار خواهد شد.

۴-۲-۱) بی‌تأثیر بودن میزان سوء استفاده در تحقق عنوان مجرمانه

از لحن مقررات موجود می‌توان دریافت که میزان سوء استفاده در قاچاق جنسی بین‌المللی، از حیث ضرورت مجازات مرتکبین و حمایت از قربانیان بی‌تأثیر است؛ به هر حال مراحل جذب، ترانزیت و دریافت بزه‌دیده در کشور خارجی منجر به تألمات روحی و جسمی فراوانی برای اوست و نمی‌توان با این ادعا که فحشا به مفهوم خاص محقق نشده، قربانی را به حال خود رها کرد و مجرمان را در استمرار حرفه پست خود آزاد گذاشت.



۲) منع جهانی قاچاق برای بهره‌کشی جنسی

اگر قاچاق جنسی به عنوان یکی از اقسام برده‌داری و فی‌الواقع برده‌داری به شکل نوین آن به شمار آید - که چنین است - در آن صورت حتی بدون استناد به اسناد بین‌المللی خاص قاچاق انسان و تنها با توسل به سایر اسناد می‌توان منع جهانی قاچاق جنسی را اثبات کرد. چنانچه در مقدمه کنوانسیون ۱۹۴۹ سازمان ملل متحد نیز آمده، «... قاچاق انسان‌ها به قصد فحشا مغایر با شأن و منزلت نوع بشر بوده و سلامت خانواده و جامعه را به خطر می‌اندازد...».

به موجب ماده ۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر، «احدی را نمی‌توان در بردگی نگاهداشت و داد و ستد بردگان به هر شکلی که باشد ممنوع است». عبارت «به هر شکلی که باشد» را به راحتی می‌توان شامل حال قربانیان قاچاق جنسی نیز دانست. اگر واقع بین باشیم، قاچاق جنسی وضعیت اسفناک‌تری از بردگی به مفهوم «در حکم مال بودن» را برای شخص بزه‌دیده ایجاد می‌کند. او نه تنها کالایی است که در صورت برآورده نکردن خواسته‌های نامشروع مشتریان از طریق دلال خود به واسطه دیگری (که راهکارهای سخت‌تر و ابتکارات متفاوتی برای اجبار او دارد) فروخته خواهد شد (آنیل ریچارد، ۲۰۰۰: ۲۱)، بلکه در اکثر موارد هیچ تضمینی برای جان و تن او به دلیل فقدان اوراق هویت و مخفی بودن زندگی او وجود ندارد. او هر لحظه امکان دارد که به مرگبارترین بیماری‌ها آلوده شود در حالیکه به دلیل تصاحب موقت اشخاصی که بر او سلطه دارند، عملاً بی‌صاحب محسوب می‌شود، در بی‌خبری کامل جامعه بشری بمیرد یا خودکشی کند.

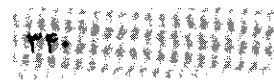
در فرضی که روسپیگری به عنوان شغل به حساب آید، فقدان تأمین اجتماعی کافی، بیمه بیکاری ناشی از فرسودگی جسمانی، بیماری و... تکلیف نامعلومی را برای قربانی متصور می‌سازد که با هیچ تضمینی جز «ریشه‌کنی این ننگ و منع آن» نمی‌توان حقوق بزه‌دیده را تأمین کرد. در مورد کودکان، سازمان بین‌المللی کار به موجب کنوانسیون اشکال سخت (زبان آور) کار برای کودکان که به سال ۱۹۹۹ به تصویب رسیده، قاچاق کودکان را مساوی با برده‌داری دانسته و تمام کشورها را به واکنش فوری برای منع هر نوع کار مضر برای کودکان

و قاچاق آن‌ها فراخوانده است.

به‌علاوه، به موجب بند ۱ ماده ۲۰ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، «کودک نباید به طور موقت یا دایم از محیط خانواده و از منافع خویش محروم باشد و باید از طرف دولت تحت مراقبت و مساعدت قرار گیرد.» نیز بنابر ماده ۳۴ همین کنوانسیون، «کشورهای طرف کنوانسیون متقبل می‌شوند که از کودکان در برابر تمام اشکال سوء استفاده و استثمارهای جنسی حمایت کنند.» (مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، ۱۳۸۱: ۱۸۵ به بعد).

از بعد تطبیقی، در حقوق هلند، (به موجب ماده ۲۵۰ قانون جزایی، اصلاحی اول اکتبر ۲۰۰۰) قاچاق جنسی ولو با رضایت قربانی، منع شده است. در بلژیک، قانون منع قاچاق انسان و تبلیغ جنسی کودکان مصوب ۱۹۹۵، مفهوم موسعی برای قاچاق ارائه نموده و تمام اقسام آن را مستوجب کیفر دانسته است. در قوانین کیفری انگلیس، تمایزی میان قاچاق، مهاجرت و بهره‌کشی جنسی وجود ندارد و به دلیل فقدان قانون خاص می‌توان مجازات جرایمی چون زناى به عنف، تجاوز و... را به قاچاق جنسی تسری داد. قاچاقچیان و فعالان در صنعت سکس اغلب با توسل به مواد ۳۰ و ۳۱ قانون جرایم جنسی ۱۹۵۶ قابل تعقیب هستند. لایحه اخیر مهاجرت و پناهندگی (۲۰۰۲) ۱۴ سال حبس برای قاچاق جنسی در نظر گرفته شده است. در نیجریه به عنوان یکی از کانون‌های صدور زنان و کودکان به اروپا، مجازاتی بیش از ۱۴ سال حبس برای قاچاق انسان، بردگی و فحشا در ماده ۳۴۹ قانون جزایی (که در بخش جنوبی این کشور قابل اجراست) پیش‌بینی شده است.

در اوکراین، قانون قاچاق انسان مصوب ۱۹۹۸ (به عنوان بند ۱ ماده ۱۲۴ قانون کیفر) این عمل را در هر صورت قابل مجازات می‌داند. مجازات قاچاق انسان در این کشور از ۵ تا ۱۲ سال حبس به همراه مصادره اموال است. در تایلند، قانون قاچاق زنان و کودکان مصوب ۱۹۹۷، قاچاق جنسی زنان و کودکان را ولو با رضایت ایشان منع کرده است. در کلمبیا، به سال ۲۰۰۲ قانونی در منع تمام اقسام قاچاق انسان به تصویب رسیده و ضمانت اجرای کیفری ۱۰ تا ۱۵ سال حبس به همراه جزای نقدی برای آن مقرر شده است. در ایالات متحده، علاوه بر منع و مجازات قاچاق انسان (در زیر عنوان ۱۸، جرایم و آئین دادرسی



کیفری از مجموعه مقررات آمریکا) قانون خاص و مفصلی نیز در حمایت از قربانیان قاجاق و خشونت به سال ۲۰۰۰، وضع شده است (قاجاق انسان، حقوق بشر: درآمدی بر حمایت از بزه‌دیدگان، ۲۰۰۲).

با وجود منع گسترده جهانی، قانونی بودن فحشا و تأسیس اماکن مربوط به آن در برخی از کشورها منجر به مشکلات عمده‌ای شده و عملاً بر تعداد قربانیان افزوده است. برای مثال، قانونی بودن روسپیگری در حوزه ویکتوریای استرالیا موجب افزایش غیر قابل تصور قاجاق زنان، به‌ویژه از آسیا به این ایالت شده و مردانی در تجارت جنسی بین‌المللی، مرکز فعالیت خود را در این ایالت قرار داده‌اند (ریموند، ۲۰۰۲: ۴۹۹).

در مقابل این گونه مقررات، حقوق داخلی اکثر کشورهای اسلامی (بجز ترکیه) را باید به عنوان الگویی برای منع کلی هرگونه رابطه نامشروع - از جمله قاجاق جنسی - به شمار آورد. اگرچه این رویه، به دلیل بی‌توجهی منتقدین به آثار اسفناک تجاوز و تعدی جنسی، گاه مورد انتقاد قرار می‌گیرد؛ اما آثار مطلوب آن را می‌توان در حفظ ابتدایی‌ترین حقوق بشردوستانه برای زنان و کودکان و قوام خانواده مشاهده کرد. البته این امر نافی تشخیص دقیق و محو کلیه زمینه‌های فساد، نخواهد بود.

در میان کشورهای اروپایی، سوئد را باید مظهر مبارزه جدی با جرایم جنسی محسوب داشت. به موجب لایحه جدید سوئد درباره خشونت علیه زنان مصوب ۱۹۹۹، داد و ستد خدمات جنسی به طور کلی منع گردیده و بر مقبول نبودن روسپیگری از حیث اجتماعی و تشدید مجازات مرتکبین و عاملین فحشا تأکید شده است. مبنای منع و اعمال مجازات که به طور کامل جنبه حقوق بشری دارد، عبارت است از محسوب داشتن بهره‌کشی جنسی به عنوان «تجاوز شدید به تمامیت زنان» (Gross Violation of Women's Integrity) در حقیقت چنین استدلال می‌شود که فحشا آشکارترین شکل نقض اصل تساوی زن و مرد محسوب شده و منع آن تنها راه ممکن برای تضمین حقوق بشر زنان از این بُعد است (فحشا و قاجاق زنان، گزارش وزارت صنعت، کار و ارتباطات سوئد، ۲۰۰۴).

در سال ۲۰۰۱ کمیته جرایم جنسی پارلمان سوئد پیشنهاد کرد که منع قانونی تجارت

خدمات جنسی تقویت گردد. نظر خواهی از مردم سوئد نشان داد که ۸۰ درصد با چنین مقرراتی موافقتند (جاکوبسن، ۲۰۰۲: ۲۴) و گزارش تهیه شده در همان سال نشان می‌دهد که تشدید نحوه برخورد و مجازات، نه تنها منجر به افزایش مخفیانه فحشا نشده، بلکه آن را کاهش داده است. بنابر گزارش پلیس، اقدام شدید قانونی، قاچاقچیان را دلسرد کرده است. زیرا اگر این قانون نبود، این کشور با همان مشکلاتی روبرو می‌شد که نروژ و فنلاند از حیث قاچاق زنان روس برای ارایه خدمات جنسی به مردان اسکانندیناوی با آن مواجه شده بودند (ریموند، ۲۰۰۲: ۴۹۹).

منع جهانی قاچاق جنسی با اسناد بین‌المللی همچون کنوانسیون ۱۹۴۹ سازمان ملل، کنوانسیون منطقه‌ای سارس (۲۰۰۲)، پروتکل پالمو ۲۰۰۰، کنوانسیون ۱۹۹۹ سازمان بین‌المللی کار، توصیه‌نامه مبنی بر حقوق بشر و قاچاق انسان، شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل ۲۰۰۲ و اعلامیه بروکسل در منع و مبارزه با قاچاق انسان (۲۰۰۲) تکمیل گردیده و از این حیث هیچ تردیدی در منع جهانی هیچ یک از اشکال قاچاق و بهره‌کشی جنسی در سطح بین‌المللی وجود ندارد.

منع قاچاق جنسی در سطح بین‌المللی، اگرچه مطلوب و دارای اهمیت است، اما در عمل منجر به فراموشی داد و ستد جنسی و فحشا در داخل کشورها شده است: همه ساله هزاران نفر در داخل کشورها، توسط نزدیک‌ترین همسایگان و حتی خانواده، دوستان و آشنایان برای بهره‌کشی جنسی مبادله می‌شوند و حال آنکه رویه متحدالشکل بین‌المللی در منع این روند وجود ندارد. شکل‌گیری این رویه از آن رو ارزشمند خواهد بود که حداقل از حیث زیان‌های جسمی و روحی بزه‌دیدگان، تفاوت عمده‌ای بین بهره‌کشی جنسی داخلی و بین‌المللی نمی‌توان تصور کرد. بنابراین برای حل مشکل باید زمینه‌های مساعد بین‌المللی ناشی از تصویب کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های مربوط به قاچاق انسان را برای منع و ریشه‌کشی قاچاق جنسی داخلی فراهم ساخت. دو نکته مهم در این باره دارای اهمیت است که متأسفانه مورد توجه خاص اسناد بین‌المللی موجود قرار نگرفته است:

اول اینکه بهترین راه حل برای مبارزه با قاچاق جنسی بین‌المللی، منع و محو آن در داخل

کشورها است؛ زیرا فاجاق داخلی مقدمه و نقطه شروع معامله و داد و ستد برای رسیدن به بازار سازمان یافته بین‌المللی است.

دوم اینکه اگر فاجاق انسان در سطح جهانی، می‌تواند برای رسیدن به مقاصد چون اخذ «حق‌گذر» از مهاجران، کار مشروع و.. انجام گیرد، برای فاجاق انسان در داخل کشورها علی‌الاصول نمی‌توان هدفی جز تجارت و بهره‌کشی جنسی یا برداشت عضو تصور کرد، بنابراین فاجاق داخلی نیز به اندازه فاجاق جنسی بین‌المللی - و حتی به دلیل آگاه شدن سریع‌تر و کامل‌تر مردم نسبت به آثار آن، بیش از آن - خطرناک است و منع آن علاوه بر وضع مقررات داخلی مناسب، نیازمند رسیدن به اجماع بین‌المللی از حیث شیوه مبارزه، تبادل اطلاعات و همکاری سازمان‌های غیر دولتی خواهد بود.

وجود مقررات خاصی برای مجازات آدم‌ربایان و تجاوزگران جنسی نباید این تردید را بوجود آورد که در قانون داخلی نیز این مساله پیش‌بینی شده است. زیرا، فاجاق جنسی - همانگونه که در این مقاله تا حدودی ملاحظه شد - از حیث سازمان‌یافتگی، عمق فاجعه و خطرناک بودن برای امنیت اجتماعی در حدی نیست که برای مثال بتوان با مجازات‌هایی چون «حد‌قوادی» (ماده ۱۳۵ به بعد ق.م.ا) و «آدم‌ربایی» (ماده ۶۲۱ ق.م.ا) امنیت جامعه را در قبال مجرمان گروهی آن تضمین کرد.

۳) عوامل زمینه‌ساز فاجاق بین‌المللی برای بهره‌کشی جنسی

بر خلاف پیچیدگی و گستردگی شبکه‌های مخوف فاجاق انسان، عواملی که موجب سوق قربانیان به سوی این گروه‌ها و افتادن در ورطه کثیف‌ترین نوع استثمار می‌شوند، چندان پیچیده نیستند: جز در مواردی که اشخاص به قصد انتقام، به دلیل بیماری یا مشکلات روانی عوامل فاجاق جنسی به منظور بهره‌کشی جنسی در خارج از کشور، ربوده یا مجبور می‌شوند؛ عوامل زمینه‌ساز فاجاق جنسی را باید با در نظر گرفتن اطراف رابطه (بزه‌دیدگان، فاجاقچیان و دلالان و سوء استفاده کنندگان جنسی) تحلیل کرد. ضمن بررسی جداگانه هر کدام از این عوامل، به مراحل مختلف فاجاق جنسی (از نحوه جذب یا ربایش قربانی تا نجات یا فرار او

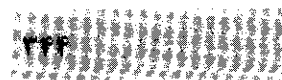
از مهلکه) نیز خواهیم پرداخت.

۳-۱) عوامل مربوط به بزه‌دیدگان

بیشتر این عوامل، در مهاجرت انسان‌ها از جایی به جای دیگر نیز دخیلند. به طور کلی، جنگ، گرسنگی و یا رفتن به استقبال شرایط بهتر از عوامل مهاجرت به شمار می‌آیند. بیکاری دائم یا فصلی، حقوق و دستمزد پایین، شرایط کاری نامطلوب، فقدان فرصت اقتصادی مناسب را باید بر این عوامل افزود.

دلایل پیوستن به گروه‌های قاچاق جنسی، اگرچه همراه با رضایت قربانی باشد، همواره منطقی و تحت کنترل او نیست. او در تصمیمی که می‌گیرد، لزوماً اقتصادی فکر نمی‌کند و معلوم نیست که از این طریق به نان و نوایی برسد یا خیر (استاکر، ۲۰۰۱: ۲۲). هیوز (۲۰۰۴) در تحقیق گسترده‌ای که انجام داده، نشان می‌دهد که چگونه میان عرضه و تقاضای خدمات جنسی در سطح بین‌المللی ارتباط مستقیم و پویایی وجود دارد. از نظر او فقر اقتصادی دلیل بر فحشا نیست، بلکه دستاویزی برای آن است. بسیاری از مناطق جهان در فقر و هرج و مرج کامل به سر می‌برند، اما تبدیل به آوردگاهی برای چانه‌زنی زنان، دلالان و گردشگران جنسی بر روی قیمت نشده‌اند. بنابراین قاچاق جنسی به این دلیل اتفاق می‌افتد که مجرمان از شرایط بد اقتصادی، بیکاری و تمایل به داشتن فرصت‌های بهتر به نفع خویش سود می‌جویند (هیوز، ۲۰۰۴: ۱).

عامل مهم و مؤثر دیگر در قربانی شدن، «زنانه شدن فقر» (Feminization of Poverty) است. فقر جهانی و توزیع نابرابر درآمد و سرمایه در سراسر جهان، زنان را به شدت متأثر ساخته است. از ۱/۳ میلیارد فقیر جهان، ۷۰ درصد آن را زنان و کودکان تحت سرپرستی ایشان تشکیل می‌دهند. این فقر، از جمله ناشی از عدم دسترسی زنان به آموزش‌های رسمی و فرصت‌های شغلی مناسب در کشور متبوعشان است. زنانه شدن فقر از مهم‌ترین عواملی است که زنان را با اراده به سوی باندهای قاچاق می‌کشاند، به این امید که خانواده خود را از حیث مالی تأمین و آینده اقتصادی زندگی خویش را تضمین کنند (دمیر، ۲۰۰۳: ۷). گزارش



سازمان بین‌المللی کار نشان می‌دهد که چگونه یک زن و دخترش، برای تحصیل مبلغی، امکان دارد به طور خود خواسته مهاجرت کرده و از زندگی توأم با بدبختی فرار کنند، با این تفکر که خانواده خود را تأمین خواهند کرد. و به ندرت از تقاضاهایی که از آنان خواهد شد، اطلاع دارند. نیز نمی‌دانند که بعد از بهره‌کشی، به بیماری‌های روانی دچار خواهند شد و جامعه آن‌ها را نخواهد پذیرفت (تحمل ناپذیر برای قلوب بشر، گزارش ۱۷: ۲۰۰۲، ILO). برخی از زنان و کودکان، ابتدا با عناوینی غیر از بهره‌کشی جنسی جذب می‌شوند. مطالعات نشان می‌دهد که دلالتان، نخست قربانیان را به عنوان پرستار بچه، پیشخدمت یا هر فرصت کاری مناسبی که در خارج پیش آید، وارد گروه می‌کنند. بعد از گرفتار کردن، آن‌ها قربانیان خود را از طریق ضبط اوراق هویت و گذرنامه، تهدید خانوادگی، بدهکار ساختن، خشونت و شکنجه کنترل می‌کنند (هیوز، ۲۰۰۱: ۱۱). به عنوان مثال عینی، می‌توان به پرونده دختری به نام تاتیانا (Tatyana) اشاره کرد. وی در یکی از شهرهای کوچک اوکراین شرقی به دلیل وضع وخیم اقتصادی نتوانست شغلی برای خود دست و پا کند. یکی از دوستانش او را راهنمایی کرد که در صورت خدمتکار شدن در یکی از خانه‌های اعیانی امارات متحده عربی، ماهیانه ۴۰۰۰ دلار حقوق دریافت خواهد کرد. به هنگام ورود به امارات، گذرنامه او ضبط و به قیمت ۷۰۰۰ دلار به فاحشه‌خانه‌ای فروخته شد. او برای بازپرداخت بدهی‌هایش به بهره‌کشی جنسی مجبور گشت. بدتر از همه آنکه، بعد از فرار و تقاضای کمک از پلیس، تاتیانا به دلیل کار در فاحشه‌خانه بازداشت و به سه سال حبس محکوم گردید (هیوز، ۲۰۰۱: ۱۱).

در مورد اشتغال زنان در خارج از کشور نیز باید گفت، آن‌ها اغلب در مشاغل پست‌تر نسبت به مردان و با حقوقی کم‌تر مشغول می‌شوند. اگر زنان یا دخترانی که در خارج از کشور به تن‌فروشی یا حتی مشاغل مشروع پرداخته‌اند، به هنگام بازگشت به موطن خود مبالغی را به همراه خود بیاورند، همین امر فی‌نفسه عامل تحریک زنان و دختران آشنای آن‌ها برای رسیدن به این مقصد خواهد بود. در حالی که هیچ تضمینی وجود ندارد که در چنگال سوداگران جنسی گرفتار نشوند. متأسفانه، زنان و کودکانی که به هر دلیل در خارج از کشور به فحشا کشیده می‌شوند، به هنگام بازگشت یا حقیقت واقعه را به خاطر مسایل حیثیتی و

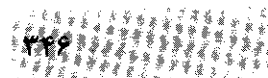
ترس از دفع اجتماعی بازگو نمی‌کنند (دمیر، ۲۰۰۳: ۹) یا توصیف پستی ناشی از بهره‌کشی جنسی از سوی قربانیان، برخی از آشنایان آن‌ها را قانع نمی‌سازد و یا اینکه چاره‌ای جز دل سپردن به قضا و قدر نمی‌بینند. در نتیجه آن‌ها نیز خواسته یا ناخواسته، در مسیر مهاجرت برای یافتن شغل پردرآمد، گرفتار شده و حقیقت تلخ قربانی شدن در دام بردگی مدرن را تجربه می‌کنند.

۳-۲) عوامل مربوط به دلالت و قاچاقچیان

قاچاق جنسی با تقاضای زنان روسپی و نیز با سفارش قوادان و دلالتان جنسی شروع می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که دلالتان در صورت نیاز به زن یا دختر جدید با افراد خاصی که در کار یافتن و انتقال آن‌ها فعالند، تماس می‌گیرند و این چنین است که زنجیره قاچاق شکل می‌گیرد (هیوز، ۲۰۰۴: ۱).

متأسفانه در تحقیقات جهانی موجود، مردانی که در کار قاچاق به هر عنوان فعالند، کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. آنچه معلوم است اینکه، آنان اغلب به بیماری‌های روانی و جسمی و جنسی دچار بوده و به مواد مخدر و مشروبات الکلی معتادند. البته نباید کسب درآمد هنگفت از طریق قاچاق انسان را فراموش کرد. این نوع از فعل مجرمانه، در میان اقسام مختلف قاچاق، سومین شغل پردرآمد را پس از قاچاق اسلحه و مواد مخدر تشکیل می‌دهد و سالیانه درآمدی بیش از ۷ میلیارد دلار را عاید عاملین آن می‌کند، در حالی که سهم کالاهای این زنجیره (مهاجران غیر قانونی و قربانیان جنسی) از درآمد این صنعت بسیار ناچیز است. بنابر گزارش سازمان ملل متحد، قربانیان قاچاق همچون کالاهایی در صنعت چند میلیارد دلاری به شمار می‌آیند که تحت تسلط گروه‌های سازمان یافته مجرم قرار دارند (گزارش سازمان ملل متحد درباره نژاد پرستی، دوربین آفریقای جنوبی، ۲۰۰۱).

به دلیل نامشروع بودن قاچاق جنسی، تعداد اشخاصی که در این کار مشغولند، نامشخص هستند. با این حال در تحقیقات انجام شده افزایش این جرم بین‌المللی - چه از حیث گستره سرزمینی و چه از حیث تعداد قربانیان - در دهه‌های اخیر، مسلم شده است (گزارش ILO



۲۰۰۲، و دمیر، ۲۰۰۳). علت این افزایش را باید از جمله، مخفی بودن فعل فاجاق جنسی به دلیل جرم بودن آن، ویژگی‌های خاص قربانیان و مجرمان دانست: فاجاقچیان، دلانان، مالکین فاحشه‌خانه‌ها و گروه‌های سازمان یافته برای فاجاق جنسی بین‌المللی خود را اعضای متحد صنعتی به نام Sex می‌دانند. آن‌ها از این طریق کسب درآمد می‌کنند، بدون آنکه به اندازه فاجاقچیان اسلحه و مواد مخدر تحت پیگرد و مجازات قرار گیرند. بنابراین، یکی از مشخصه‌های فاجاقچیان جنسی - همانند سایر فاجاقچیان - استفاده از خلأهای قانونی موجود به نفع خویش است (فورد، ۲۰۰۱).

فاجاقچیان جنسی، اغلب از روش‌های یکسانی در رسیدن به مقصود خویش استفاده می‌کنند. آن‌ها ابتدا طعمه‌های خود را شناسایی کرده و در جهت تطمیع و فریب ایشان برمی‌آیند. سخن گفتن از آینده‌ای امیدوار کننده در خارج، از حیث اقتصادی و فرهنگی و عدم تصریح به بهره‌کشی جنسی، جزئی از روش همگی آن‌هاست. برای مثال یک معلم روانشناسی در اوکراین در اکتبر سال ۱۹۹۹، به این امر متهم شد که سرگروهی یک باند سازمان یافته بین‌المللی متشکل از مجرمانی از کشورهای قزاقستان، سوریه و امارات متحده را برای فاجاق دختران اوکراینی به امارات بر عهده داشته است. این زن، به مشتریان خود قول کارهای خانگی و خدماتی را می‌داد و سپس آن‌ها را به دلانان صنعت سِکس در امارات می‌فروخت (رویترز، ۲۴ سپتامبر ۱۹۹۹). البته در صورت داشتن تقاضای خوب از سوی گردشگران جنسی و در اختیار نداشتن قربانی، آن‌ها در اینکه زنان و کودکان واجد شرایط (از حیث جسمی و...) را ربوده و در اختیار مشتریان خود قرار دهند، هیچ‌گاه تردید نمی‌کنند.

یکی دیگر از مسایل مربوط به عوامل فاجاق جنسی که مورد توجه قرار نگرفته، آن است که خود قربانیان به فاجاقچی تبدیل شوند. به نظر می‌رسد، این حالت خطرناک‌ترین نوع جرم را شکل خواهد داد: قربانی فاجاق به لحاظ رسیدن به سرحد پستی و فرومایگی - حداقل به تصور خویش - طرد از جامعه، ابتلا به انواع بیماری‌های مقاربتی و سیر شدن از زندگی ذلت‌بار، زمینه خوبی برای مجرم شدن دارد. به‌ویژه در حالتی که این امر، به زعم او، مساوی با انتقام او از جامعه و رسیدن به مقام سرگروهی قربانیان به جای بردگی جنسی باشد.

او می‌تواند در صورت جلب اعتماد افرادی که اول بار او را قربانی ساخته‌اند، به موجودی پلیدتر از همه آنها تبدیل شود. چنین شخصی در شمار «روسپیان» می‌آید و این دسته از زنان «به دلیل تعامل اجتماعی وسیعی که دارند، مردم‌شناسان چیره‌دستی هستند» (علیایی‌زند، ۱۳۸۱: ۱۲۲). بنابراین می‌توانند زنان و کودکان مستعد را براحتهی فریب داده و هر کدام را با دسیسه‌ای وارد زنجیره جهانی تجارت جنسی کنند. شناسایی این دسته از مجرمان و سعی در جلب اعتماد، توانبخشی و بازتوانی آنها تنها راه برای متوقف کردن انتقام آنها از جامعه است که نیاز به بررسی و برنامه‌ریزی دقیق دارد.

۳-۳) عوامل مربوط به گردشگران جنسی

در کشورها و مناطقی که به کانون تجارت جنسی شهرت دارند، مانند تایلند، برزیل، کنیا، جامائیکا و.. سالانه هزاران نفر از کشورهای خارجی برای شهوت‌رانی و بودن با زنان و کودکان فقیر - به عنوان قسمت مهمی از اوقات فراغت خویش - برنامه‌ریزی می‌کنند. گردشگری جنسی (Sex Tourism) اکنون عنوان شناخته شده‌ای در مسایلی مربوط به حقوق بشر به شمار می‌آید. ماری رابینسون، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، در کنفرانس سازمان ملل متحد درباره نژاد پرستی که به سال ۲۰۰۱ در دوربان آفریقای جنوبی برگزار شد، در بیانات خود اظهار داشت:

«فاجاق ذاتاً تبعیض‌آمیز است.. در مورد فاجاق برای صنعت جهانی Sex ما در مورد مردانی سخن می‌گوییم که از کشورهای نسبتاً مرفه‌ی هستند و برای رابطه جنسی با زنان و دختران و گاه مردان و پسران از کشورهای فقیرتر پول پرداخت می‌کنند. این چیزی بیش از مسایلی مربوط به حقوق کار یا مساله توسعه نابرابر است؛ این مساله به حقوق بشر ارتباط می‌یابد، زیرا شکل برجسته و خطرناک تبعیض را شامل می‌شود (گزارش سازمان ملل متحد درباره نژاد پرستی، ۲۰۰۱).

گردشگران جنسی، اغلب در کار فاجاق حضور ندارند. آنها از نظر مالی بسیار ثروتمند هستند و تنها نوع روابط جنسی را در شأن خود می‌بینند. از حیث روانی، گردشگران جنسی

اگرچه ممکن است با شریک قانونی خویش به لحاظ جنسی ارضاء شوند؛ اما به خاطر مسایل خاص روانی خویش به دنبال رابطه‌ای متنوع و در عین حال عاری از مسؤولیت هستند. بعد از مدتی آن‌ها به این نتیجه می‌رسند که رابطه با روسپیان چیزی نیست که آن‌ها بدان آرام بگیرند. زیرا هدف از این اعمال برای آن‌ها رفتن به دنبال عاطفه تلقی می‌شود، چیزی که هیچ وقت بدان دست نمی‌یابند: عاطفه چیزی نیست که قربانی بتواند آن را بین افراد مختلفی که نمی‌شناسد، ولی از ماهیت پستشان آگاه است، تقسیم کند.

گردشگران جنسی اغلب از رابطه نامشروع خود به یکی از دو نتیجه زیر می‌رسند: یا آن‌ها به دنبال تحقیر، پست کردن و بدبخت نشان دادن قربانی خود هستند و به همین خاطر راه‌هایی برای ارضای جنسی خود و آزار قربانی به کار می‌گیرند که به هیچ وجه نمی‌توان در روابط جنسی مشروع تصور کرد (هیوز، ۲۰۰۴: ۲). یا اینکه خود را منجی دختر یا زنی می‌دانند که با او رابطه برقرار می‌کنند. در این حالت، نوعی «عاشق شدن» و «قهرمان‌بازی» در میان است و لذا شخص، رابطه نامشروع خود را به رابطه‌ای قانونی (ازدواج) تبدیل می‌کند. به همین خاطر در آسیای جنوب شرقی مردان زیادی را می‌توان یافت که دو زن دارند و اغلب زن دوم آن‌ها محصول همین آشنایی نامشروع است. با این نوع از ازدواج، آن‌ها نه تنها خود را منجی می‌پندارند، بلکه برای همیشه می‌توانند قربانی مورد علاقه خود را در اختیار داشته باشند (آدزر، ۱۹۹۷: ۱۵ و آپرمن، ۱۹۹۹: ۲۵۹).

۴) حمایت از قربانیان قاجاق جنسی

هر جا سخن از قاجاق جنسی به میان می‌آید، بلافاصله حقوق قربانیان و ضرورت حمایت از آن‌ها نیز مطرح می‌شود. به همین دلیل، تمام کنوانسیون‌ها و قوانین داخلی موجود درباره قاجاق انسان، بحث حمایت از بزه‌دیدگان را مطرح کرده است. هرچند قانون مبارزه با قاجاق کشورمان در این مورد سکوت کرده که علی‌الاصول نباید این سکوت را به عنوان ایراد عمده بر قانون محسوب کرد. زیرا خوشبختانه کشورمان از حیث قاجاق انسان در آمارهای بین‌المللی به عنوان مقصد به شمار نمی‌آید. هر چند به دلیل ضرورت حمایت از قربانیانی که

قاچاق آن‌ها از ایران شروع می‌شود (ایران به عنوان مبدأ)، یا افرادی که از طریق ایران قاچاق می‌شوند (به عنوان مسیر گذر) و برای حمایت از قربانیان داخلی احتمالی، شایسته‌تر آن بود که قانون‌گذار به این موضوع نیز می‌پرداخت. برای حل این اشکال، پیوستن به پروتکل پالمو بهترین راه حل خواهد بود. این سند بین‌المللی که تدوین آن از سوی نمایندگانی از ۱۴۸ کشور جهان در پالمو ایتالیا انجام شده، عملاً ادبیات حقوقی جامعی در منع و مجازات قاچاق انسان در سطح جهانی به وجود آورده است (ریموند، ۲۰۰۲: ۴۹۱). پروتکل، ضمن جرم‌انگاری قاچاق انسان‌ها، از قربانیان این جرایم حمایت کرده و روش‌هایی را جهت جبران خسارات وارده به آنان و پیشگیری از وقوع چنین جرایمی پیش‌بینی می‌کند (شمس‌ناتری، ۱۳۸۰: ۹۳).

حمایت از قربانیان، لزوماً به تلاش برای بازگرداندن حقوق و توانبخشی دوباره روانی، اجتماعی و اقتصادی ایشان محدود نمی‌گردد؛ بلکه در مرحله قبل از فراهم شدن زمینه‌های قاچاق، می‌توان با راهکارهای دقیق و استفاده از تجربیات موجود، به بهترین چهره حمایتی، یعنی «پیشگیری» تمسک نمود. بهره گرفتن از همکاری سازمان‌های غیر دولتی داخلی و بین‌المللی نیز باید در هرگونه برنامه‌ریزی لحاظ شود. مباحث مربوط به جلوگیری از بزه‌دیدگی و حمایت از ایشان را می‌توان در بندهای جداگانه به شرح زیر مطالعه کرد.

۴-۱) شغل نبودن روسپیگری

در مقررات داخلی اکثر کشورها و نیز در اسناد بین‌المللی، فحشا به عنوان یکی از اقسام مشاغل مشروع به شمار نمی‌آید و رویه داخلی کشورهایی که آن را شغل شمرده‌اند نیز، حکایت از عدم اعطای حقوق مربوط به بیمه و تأمین اجتماعی به ایشان دارد. بنابراین در اکثر کشورها، یا فحشا مشروعیت قانونی ندارد و یا اگر قانون آن را مجاز بداند، روسپیان تحت شمول مقررات بیمه به طور عام، بیمه بیکاری، درمان و... قرار ندارند. علت این امر، از جمله این است که شناسایی هر حقی برای ایشان از این حیث، منجر به افزایش تعداد آن‌ها و در

واقع هرج و مرج، بی‌قیدی و متلاشی شدن سازمان خانواده‌ها خواهد بود.

علیرغم وجود این طرز تلقی از فحشا در سطح کشورها و رویه بین‌المللی، نویسنده‌ای به نام هاریدن، در مقاله‌ای با عنوان «نه زنان بد، بلکه قوانین بد» که به دومین کنفرانس «فاجاق را متوقف کنید» ارایه کرد، حمایت از زنان روسپی را در سطح جهانی خواستار گردید. از نظر او، نباید روسپیان را از شمول مواد ۶ و ۷ «میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» استثنا کرد. به موجب بند ۱ ماده ۶ میثاق، «کشورهای طرف این میثاق حق کار کردن را - که شامل حق هر کس است که فرصت یابد به وسیله کاری که آزادانه انتخاب یا قبول می‌کند، معاش خود را تأمین کند - به رسمیت می‌شناسند و اقدامات مقتضی را برای حفظ این حق معمول خواهند داشت». در ماده ۷ نیز بحث از مزد منصفانه، مزایای کافی، ایمنی و بهداشت کار، فرصت‌های ارتقای شغلی، استراحت و مرخصی به عنوان جزئی از حقوق بشر مطرح شده است.

به نظر وی، عدم شناسایی حقوق برای روسپیان در اکثر کشورها آنان را از نظر تأمین اجتماعی و.. آسیب‌پذیر کرده است. او پیشنهاد می‌کند تا قانونی برای سازماندهی این شغل - آن هم در سطح جهانی - شکل گیرد. از نظر هاریدن تن‌ها با این شیوه است که می‌توان تمام فعالیت‌های تجاری جنسی را تحت نظم درآورد (هاریدن، ۲۰۰۳: ۴).

اگرچه منظور نویسنده از شغل پنداشتن این عمل، تنها موارد توأم با رضایت خودفروشی بوده و بهره‌کشی از کودکان یا افرادی که رضایت ندارند را در برنمی‌گیرد، اما این عقیده با یکی از مهم‌ترین مبانی منع فاجاق جنسی (فاجاق بودن فعالیت، ولو با رضایت قربانی) در تضاد است و عملاً بازار مجاز جهانی برای فحشا ایجاد می‌کند. در ارایه هر نظریه، علی‌الاصول باید به آثار اجتماعی و فرهنگی آن توجه داشت و حال آنکه متاسفانه در این دیدگاه چنین نشده است: روسپیگری - آن هم در عرصه بین‌المللی - به این دلیل نباید شغل به شمار آید که حق بر جان و تن، نوع خاصی از حق و متفاوت با مفهوم متداول حقوقی آن است. همانگونه که بعد از افول دوران ننگین برده‌داری، هیچ‌کس نمی‌تواند دیگری را بفروشد؛ هیچ انسانی نیز حق معامله جان و تن خود را ندارد. بنابراین قانون نمی‌تواند از

پیشه‌ای پشتیبانی کند که در تضاد با ابتدایی‌ترین حق و تکلیف بشر نسبت به «جان و تن» او است. همین هدف عالی بود که در کنوانسیون ۱۹۴۹ سازمان ملل، پروتکل پالمو، کنوانسیون سارس و سایر اسناد مورد توجه قرار گرفت و با وجود علم تدوین کنندگان به احتمال عدم حصول اجماع جهانی، منجر به درج این عبارت پُر معنی در اسناد فوق‌الذکر گردید:

«قاچاق انسان، ولو با رضایت قربانی، قاچاق محسوب شده و تابع مقررات آن است...».

بنابراین، بهترین تضمین برای حمایت از بزه‌دیدگان، در وهله نخست تصریح به این امر در اسناد بین‌المللی است که تن‌فروشی ارادی در تمام اشکال آن، به هیچ وجه شغل به شمار نمی‌آید و دولت‌ها نمی‌توانند آن را به رسمیت شناخته و برای فاعل آن حقوق شغلی در نظر بگیرند.

۴-۲) ریشه‌کنی عوامل تجارت جنسی بین‌المللی

اگر منع فحشا، با راهکارهای پیشگیری و توان‌بخشی اشخاصی که با اراده به تن‌فروشی در خارج از موطن خود رضایت می‌دهند، همراه نباشد، به هیچ‌وجه نمی‌توان بازار قاچاق جنسی را در سطح بین‌المللی از بین برد. تأمین اجتماعی همگانی، فراهم ساختن امکانات حداقل زندگی برای همگان و توجه به خواسته‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی زنان و کودکان، بهترین راه حل برای جلوگیری از قربانی شدن است. متأسفانه اسناد بین‌المللی موجود، اغلب راهکارهای خود را برای بعد از تحقق قاچاق انسان و قربانی شدن عده‌ای تنظیم کرده‌اند. فقط کنوانسیون ۱۹۴۹ در قسمت اول ماده ۱۶ مقرر می‌دارد: «دولت‌های عضو کنوانسیون موافقت می‌کنند که از طریق خدمات آموزشی، بهداشتی، اجتماعی و اقتصادی زمینه‌های لازم برای جلوگیری را فراهم سازند...».

۴-۳) حمایت همه‌جانبه از بزه‌دیدگان

به سختی می‌توان قربانی شدن در ورطه بهره‌کشی جنسی - آن هم در سطح بین‌المللی - را با «بزه‌دیدگی» به مفهوم کلی آن مقایسه کرد؛ زنان و کودکانی که به هر دلیل در مهلکه جرایم

جنسی بین‌المللی گرفتار می‌شوند، در حقیقت «قربانی» می‌شوند و جبران فرسودگی روانی، جسمی و فرهنگی آن‌ها بسیار مشکل است. در این مورد، اسناد بین‌المللی موجود بسیار دقیق و مفصل هستند و ما در ضمن بحث به تجزیه و تحلیل آن‌ها خواهیم پرداخت.

۱-۳-۴) دسترسی به محاکم و دادرسی عادلانه

برای ترمیم و آرامش خاطر بزه‌دیدگان جنسی و جلب اعتماد برای همکاری در بازتوانی اجتماعی ایشان، بهترین نقطه شروع، تعقیب و مجازات کلیه عوامل قاجاق، واسطه‌گری، نگاهبانی، ترانزیت و بهره‌کشی جنسی است. مجازات آن‌ها از آن رو دارای اهمیت است که تضمین جانی کافی برای نجات‌یافتگان فراهم می‌آورد. در بند ۵ ماده ۶ پروتکل پالمو، تصریح شده که «دولت‌های عضو باید اقدامات لازم را برای امنیت جانی قربانیان قاجاق انسان، تا زمانی که در حوزه سرزمینی آن‌ها هستند، به عمل آورند». در این مسیر، قربانیان به عنوان شاهدان عینی قاجاق هستند و از اطلاعات آن‌ها می‌توان برای دستگیری و مجازات قاجاقچیان استفاده کرد (بند ۴ اعلامیه بروکسل). شاهدان عینی به شرح مذکور، تنها در صورتی حاضر به همکاری می‌شوند که اطمینان یابند، تضمین کافی نسبت به جان آن‌ها در مقابل عوامل قاجاق وجود دارد. تا زمانی که این امنیت از جمله با دستگیری مجرمان سازمان یافته قاجاق جنسی احساس نشود، آن‌ها که دیگر به جامعه اعتمادی ندارند، همکاری نخواهند کرد.

در موردی که بزه‌دیدگان به کشورهای دیگر - غیر از محل وقوع جرم - تعلق دارند و به کشورشان بازگشته‌اند، باید گذرنامه‌هایی برای مراجعت آن‌ها به کشور محل وقوع جرم و حضور در دادگاه در اختیارشان قرار گیرد. به‌ویژه آن‌ها نباید در معرض کیفرخواست قرار گیرند، چرا که این عمل منجر به ترس و عدم همکاری ایشان خواهد بود (کارینگتون و چین، ۲۰۰۳: ۱۱).

البته، چنانکه در بند ۳ ماده ۵ کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته بین‌المللی (۲۰۰۰) آمده، محاکمه مجرمان باید عادلانه باشد و حق دفاع هیچ کس در معرض خدشه قرار نگیرد.

در داخل کشورها، آئین رسیدگی و ساختار سیستم قضایی باید به نحوی برنامه‌ریزی شود که بزه‌دیدگان قاچاق جنسی، ضمن دسترسی به محاکم از این طریق بتوانند خسارات مادی و معنوی وارده به خود در جریان قاچاق و بهره‌کشی را مطالبه کنند. به موجب بند ۲ ماده ۶ پروتکل پالمو، «هر دولت عضوی باید تضمین دهد که حقوق داخلی یا ساختار اداری آن، معیارهایی را داراست که برای شخص قربانی قاچاق، به نحو درخوری موارد زیر را فراهم می‌کند:

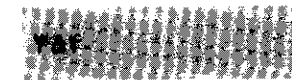
الف. اطلاعات مربوط به دادگاه صالح و تشریفات اداری مربوطه؛

ب. مساعدت به نحوی که بزه‌دیدگان را قادر سازد تا در دادرسی‌های عادلانه کیفری مجرمان شرکت کنند، به گونه‌ای که حق دفاع مورد تبعیض و خدشه قرار نگیرد...».

به دلیل ماهیت خاص جرم قاچاق جنسی و آسودگی خاطر بزه‌دیدگان از حیث احتمال انتقام‌جویی عوامل قاچاق و مسایل حیثیتی، دادرسی نسبت به ایشان باید به طور «محرمانه» انجام گیرد و در غیر از موارد بسیار ضروری، به لحاظ جلوگیری از آسیب روانی و روحی ناشی از یادآوری بردگی جنسی، از مواجهه مستقیم آن‌ها با مجرمین قاچاق خودداری شود. چنانچه در بند ۳ ماده ۴ کنوانسیون منطقه‌ای سارس نیز پیش‌بینی شده، بزه‌دیدگان قاچاق باید از حمایت قضایی کافی بهره‌مند شوند و در هر صورت باید برای ایشان وکیل تعیین گردد. یکی از راهکارهای مهم برای جلوگیری از آسیب بیشتر، برگزاری سریع دادرسی است و حتی‌الامکان باید به هنگام بازجویی، بر ذکر تمام جزئیات - به خصوص آنچه که ضرورتی ندارد - اصراری نباشد.

۲-۳-۴) عدم پیگرد قضایی قربانیان قاچاق جنسی

متأسفانه - همانطور که قبلاً نیز تا حدودی مطرح گردید - مواردی وجود دارد که در آن، دادگاه‌ها بدون توجه به شرایط خاص قربانی قاچاق جنسی، اقدام به محکوم کردن وی در دادرسی کیفری (به حبس یا اخراج از کشور محل دادگاه) می‌کنند. این اقدام از دو جهت دارای ایراد است: نخست اینکه در صدور این حکم، هیچ توجهی به شرایط خاص بزه‌دیده



به هنگام ارتکاب عمل و یا حتی نقش نداشتن او در جرم منتسب به او، نمی‌شود. برای مثال، دختری که اوراق هویت و گذرنامه او از سوی قاچاقچیان جنسی ضبط و حتی پاره شده، هیچ نقشی در معلوم نبودن هویت یا قانونی نبودن مهاجرت خود ندارد، حال آنکه در پاره‌ای از موارد، علیه چنین اشخاصی حکم صادر شده است. در یک مورد، دختر ۱۸ ساله اوکراینی به نام ایرنا Irina که در بروکسل (بلژیک) به فساد کشیده شده بود، بعد از فرار به جرم نداشتن اوراق هویت دستگیر شد. حال آنکه معاینات نشان می‌داد که او به شدت مورد تجاوز و سوء استفاده قرار گرفته و آثار سوختگی ناشی از سیگار در تمام بدن او دیده می‌شد (هیوز، ۲۰۰۱: ۱).

دومین ایراد، بی‌توجهی به شرایط بزه‌دیده جنسی به هنگام تقاضای مجازات یا صدور حکم است که آشکارا از مراجعه بزه‌دیدگان به ادارات پلیس و تقاضای کمک از ایشان جلوگیری می‌کند. زیرا، آن‌ها می‌دانند که رهیدن از چنگال استثمارگران به قیمت زندانی شدن آن‌ها خواهد بود.

علاوه بر کشور محل وقوع جرم، امکان دارد قربانیان قاچاق جنسی به دلیل مهاجرت غیر قانونی، داشتن روابط جنسی نامشروع، بیماری‌های مقاربتی و.. بعد از بازگشت یا فرار، در کشور خود نیز تحت پیگرد قضایی قرار گیرند، که این امر با ایرادات پیش گفته و بی‌توجهی به ابتدایی‌ترین حقوق بشر دوستانه قربانی جنسی بین‌المللی در پناهگاه و زادگاه او روبروست. برای جلوگیری از این تبعات است که اعلامیه بروکسل ۲۰۰۲، در قسمتی از بند ۱۳ مقرر می‌دارد: «... قربانیان قاچاق باید به عنوان بزه‌دیدگان جرایم مشدد محسوب گردند. نباید علی‌الاصول آن‌ها را به خاطر جرایمی که به عنوان جزئی از فرایند قاچاق خود انجام داده‌اند، دوباره قربانی کرد...».

۳-۳-۴) حمایت از تمامی بزه‌دیدگان

مفاد کنوانسیون‌ها و سایر اسناد بین‌المللی موجود در باب قاچاق انسان را از حیث عدم تفکیک بین رضایت و عدم رضایت قاچاق‌شوندگان در تحقق جرم قاچاق، می‌توان بر

قصد تدوین‌کنندگان به ارائه مفهومی موسع از قاچاق بین‌المللی تفسیر نمود. تفسیر دیگر، بهره‌برداری از این گستردگی دایره شمول به نفع بزه‌دیدگان است. اطلاق تعریف قربانیان قاچاق و عدم توجه به عنصر «رضایت» برای آن است که قربانیان به هر جهت مورد حمایت قرار گیرند و اثبات رضایت ایشان دست‌آویزی برای رها شدن دوباره آن‌ها در چنگال دلالان نباشد (کارینگتون و چین، ۲۰۰۳: ۹). به همین دلیل، در بند (ب) ماده ۳ پروتکل پالمو تصریح شده که تمام بزه‌دیدگان باید مورد حمایت قرار گیرند، نه آنان که صرفاً تحت اجبار و زور قربانی شده‌اند. باید این درک صحیح در اذهان جهانیان ثبت شود که قاچاق‌شوندگان - ولو با رضایت ظاهری - در شرایط کاملاً اضطراری از حیث مالی، به این ذلت تن داده‌اند و حتی توجیه بیشتری برای اقدام سریع در حمایت از ایشان نسبت به بزه‌دیدگان دیگر از جهت تأمین مالی و اقتصادی در حد متعارف وجود دارد. «هیچ یک از قربانیان قاچاق جنسی، تصور نمی‌کنند که شرایط کاری چنان اسفناکی در انتظارشان باشد» (وان‌لیمیت، ۲۰۰۳) لذا، حتی در صورت رضایت اولیه، آن‌ها در صورت استمرار آزار جنسی دچار آسیب‌های شدید شده و تنها با اجبار دلالان جنسی به ادامه کار راضی می‌شوند.

۴-۳-۴) توجه به نیازهای ویژه کودکان

ویژگی‌های روانی، جسمی و آسیب‌های وارده به کودکان به لحاظ ضعف جسمی آن‌ها، دوری از خانواده و آموزش در جریان قاچاق و سوء استفاده، ایجاب می‌کند تا به طور جدگانه‌ای از حیث حقوق، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، مداخله، آموزش و پرورش مورد بررسی قرار گیرند. کودکان دارای نیازهای خاص آموزشی، سرگرمی، محبت و سرپرستی هستند و لذا در تمام اقدامات اجرایی و عملی انجام شده از سوی مؤسسات رفاهی، دادگاه‌ها، مراجع اداری و تقنینی و نیز اقدامات سازمان‌های دولتی و غیر دولتی باید متناسب با شخصیت و درجه آسیب با آن‌ها برخورد شود.

به همین دلیل است که شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در تصویب‌نامه و راهنمای خود درباره حقوق بشر و قاچاق انسان، پیدا کردن خانواده کودکان، توجه به نیازها

و ویژگی‌های آن‌ها در قوانین موضوعه، بازگرداندن سالم و ایمن آن‌ها به آغوش خانواده، ارائه مشاوره‌های روانی، آموزشی، بهداشتی، مسکن و... تشخیص صلاحیت سرپرست و ارائه آموزش‌های لازم برای نحوه برخورد با عوامل قاجاق را در ردیف توصیه‌های خود در جهت مبارزه با قاجاق کودکان آورده است (توصیه‌نامه و راهنمای شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل، ۲۰۰۲: ۱۳).

در بند ۴ ماده ۶ پروتکل پالمو تصریح شده که هر دولت باید در اعمال مقررات قانونی و حمایت از بزه‌دیدگان، سن و نیازهای ویژه قربانیان قاجاق، به‌ویژه کودکان را از حیث آموزشی، مراقبت و محل زندگی (مسکن) در نظر بگیرد. در قستی از بند ۱۳ اعلامیه بروکسل نیز فراهم ساختن امکانات تحصیل و کارآموزی کودکان مطابق با نیازهای ایشان توصیه شده است.

در تمام اقدامات حمایتی برای کودکان بزه‌دیده از قاجاق جنسی باید به این امر توجه شود که اغلب کودکان تحت استثمار، به دلیل زنده بودن این کار، از دیده مردم پنهان می‌مانند. آن‌ها نه تنها به تحصیل، بازی، خانواده و دوستان خود، بلکه در موارد زیادی حتی به هوای آزاد نیز دسترسی ندارند (گزارش ۱۷: ILO). بنابراین جبران آسیب وارده بسیار مشکل و نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و تدابیر سنجیده همسو با تمایلات بچگانه آنهاست.

۴-۳-۵) همکاری و هماهنگی تمام کشورها

قاجاق جنسی یک پدیده جهانی و عالمگیر است، بنابراین، عکس‌العمل در برابر آن نیز باید جهانی باشد. به رسمیت شناختن جرایمی چون قاجاق انسان، قوادی، تأسیس فاحشه‌خانه و بهره‌کشی جنسی از زنان و کودکان، نیازمند همکاری و اقدام هماهنگ تمام نیروهای مرتبط، همچون پلیس، سازمان‌های دخیل در امر مهاجرت و صدور گذرنامه و ارگان‌های دولتی و غیر دولتی فعال در زمینه حقوق بشر از سراسر جهان است. روابط دولت‌ها از نظر تبادل اطلاعات مربوط به باندهای قاجاق، مبادله قربانیان در جهت رسیدن آن‌ها به موطن اصلی خویش، مجازات قاجاقچیان داخلی و خارجی بدون هیچ‌گونه تبعیض، پناه دادن، اسکان،

آموزش و توانبخشی قربانیان بدون توجه به تابعیت، نژاد و مذهب آنها و معاضدت قضایی کلیه بزه‌دیدگان، از جمله تعهدات دولت‌هاست که در کنوانسیون ۱۹۴۹، پروتکل پالرمو و کنوانسیون منطقه‌ای سارس به آن ملتزم شده‌اند.

مطابق با ماده ۷ پروتکل پالرمو، «دولت‌ها .. باید قوانین و مقررات داخلی را به گونه‌ای تنظیم نمایند که قربانیان قاچاق - با لحاظ اوضاع و احوال - حق ماندن دائمی یا موقت در حوزه سرزمینی آنها را داشته باشند» و بنابر ماده ۸، «دولت‌هایی که به لحاظ تابعیت یا اقامت دایم موطن موقت قربانیان به حساب می‌آیند، باید بدون تأخیر، زمینه بازگشت ایشان را به موطن اصلی فراهم ساخته و آنها را از دولت مربوطه (کشوری که بدانجا قاچاق شده یا در آنجا پناه داده شده‌اند) تحویل بگیرند».

گسترش روابط سازمان‌های غیر دولتی (NGO) در میان کشور مبدأ قاچاق، مسیر گذر، مقصد و سایر کشورهای درگیر از بهترین نمادهای همکاری بدون غرض میان کشورها و در جهت دفاع از حقوق بشر است. در کشورهایی که وسعت قاچاق جنسی در آنها نسبت به دیگر کشورها بیشتر است، می‌توان از اقدامات عملی و تجربیات سازمان‌های بین‌المللی و نیز علاوه بر سازمان‌های غیر دولتی داخلی، از مؤسسات خیریه متعلق به کشورهای دیگر برای اسکان، آموزش، مشاوره روانی، اجتماعی و فرهنگی و نیز بازگرداندن قربانیان به زندگی طبیعی سود جست.

۵) نتیجه‌گیری

قربانیان قاچاق جنسی، نسبت به سایر مردم سهم کمتری از «حق انتخاب» در زندگی خویش دارند: آنها به دلیل ناتوانی مالی خود و خانواده خویش و فقدان شغل مناسب، مجبور به مهاجرت و داشتن رابطه جنسی در خارج از موطن خویش می‌شوند. آنها فقط حق دارند که به هنگام خودفروشی - و شاید با مقداری مسامحه، ارایه خدمات جنسی - بر روی قیمت چانه بزنند و سهمی در قراردادی که برای فروششان بسته می‌شود، داشته باشند؛ هر چند که هیچ تضمینی برای اجرای صحیح این توافق از سوی طرف مقابل وجود ندارد. عدم پذیرش

حقوقی و اجتماعی صنعت Sex نیز باعث شده تا معیار خاصی برای میزان و نحوه بهره‌کشی موجود نباشد و از این حیث نیز آن‌ها هیچ حق انتخابی - و متجاوزین هیچ محدودیتی - ندارند. عامل دیگر در زوال حق انتخاب، قدرت‌مند بودن «استثمارگر» است؛ تقریباً در تمام موارد قاچاقچیان و متجاوزین، مردانی ثروتمند و بزه‌دیدگان، زنان و کودکانی هستند که از هر نظر در محرومیت به سر می‌برند.

نداشتن «حق انتخاب»، نه فقط در اصل حیات، بلکه بر جان و تن خویش، مسلم و آشکارترین شکل نقض ابتدایی‌ترین حقوق قابل تصور برای انسان‌هاست. اگرچه عوامل مختلفی در ایجاد و استمرار این روند نقش دارند، اما نمی‌توان سهم قوانین ناقص، یا غیر قابل اجرا و یا اساساً ناموجود را در تحقق و تقویت آن انکار نمود. قوانین و مقررات کشورها، مهاجرت غیر قانونی، داشتن رابطه جنسی نامشروع و خودفروشی را - به حق - منع کرده‌اند. اما معلوم نیست که چه تضمینی برای ادامه حیات بیکاره‌هایی که تلاش‌های آن‌ها در یافتن کاری مشروع بی‌نتیجه می‌ماند و جز تن خود منبعی برای تأمین حداقل معاش خانواده خویش تصور نمی‌کنند، وجود دارد. چنانچه گفته شد، متأسفانه اسناد بین‌المللی موجود، مرحله «پیشگیری» از قاچاق جنسی بین‌المللی را به ندرت مدنظر داشته‌اند؛ حال آنکه باید توجه داشت که بزه‌دیدگی جنسی در اغلب موارد زاییده «اضطرار اقتصادی» است. تنها تأمین اجتماعی همگانی - نه فقط از حیث خوارک، بلکه مسکن، آموزش و پرورش، و نیازهای رفاهی به مقدار متعارف - است که به دولت‌ها حق خواهد داد تا حتی با بزه‌دیدگان قاچاق جنسی بین‌المللی نیز برخورد نمایند. زیرا در آن صورت هیچ بهانه‌ای جز هتک حیثیت یک کشور، آن هم در عرصه بین‌المللی، برای فساد و فحشای آنان وجود نخواهد داشت. در هر قانون یا سند بین‌المللی که برای قاچاق جنسی به تصویب می‌رسد، باید بلافاصله راه‌های پیشگیری و توانبخشی - نه فقط در روابط بین دولت‌ها، بلکه در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، اجتماعی و آموزشی داخلی - نیز به طور کامل مدنظر قرار گیرد. در تمام موارد باید به این دو نکته مهم توجه کرد که هیچ تفاوتی میان بزه‌دیدگان فعلی و قربانیان آینده وجود ندارد و تنها در صورت برنامه‌ریزی، قانونگذاری و اجرای دقیق است که می‌توان معضل جهانی «قاچاق

جنسی» را ریشه‌کن نمود و اینکه تنها با از بین بردن زمینه‌های داخلی است که می‌توان از قاچاق جنسی در سطح بین‌المللی جلوگیری کرد.

در زمینه حقوق داخلی، اگرچه اهتمام قانونگذار کشورمان به تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان از حیث جرم‌انگاری قاچاق بین‌المللی انسان در حقوق کیفری کشورمان صحیح به نظر می‌رسد، اما به لحاظ نواقص این قانون در برخی از ابعاد (از جمله، محسوب نداشتن تمام مصادیق جرم قاچاق انسان به عنوان جرم «سازمان یافته» و عدم ارایه راهکار برای پیشگیری از قاچاق جنسی، تعقیب مجرمین، بازگرداندن قربانیان و بازتوانی ایشان) انجام فوری اقدامات زیر اجتناب‌ناپذیر است:

- الحاق به «پروتکل پالمو راجع به پیشگیری، منع و مجازات قاچاق انسانها، به‌ویژه زنان و کودکان» به منظور هماهنگی و همکاری با سایر کشورها در مبارزه با قاچاق جنسی انسان.

- جرم‌انگاری قاچاق داخلی انسان در مقررات کیفری با درک تفاوت‌های این جرم سازمان یافته با آدم ربایی و سایر جرایم.

- اهمیت دادن به «پیشگیری» در وهله اول برای جلوگیری از قربانی شدن افراد در معرض خطر قاچاق انسان و «بازتوانی» و «بازپروری» قربانیان از طریق تأمین مناسب و آموزش‌های دقیق.

- ۱ - امیر ارجمند، اردشیر. (۱۳۸۱) مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر. جلد اول، قسمت اول، اسناد جهانی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- ۲ - بوریکان، زاک (۱۳۷۷-۱۳۷۶). بزه‌کاری سازمان یافته در حقوق کیفری فرانسه. (ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی). مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۲-۲۱، زمستان ۷۶ تا تابستان ۷۷، صص ۳۳۴-۳۱۳.
- ۳ - شمسی‌آزهی، علیرضا (۱۳۷۹). جرم سازمان یافته و بررسی مصادیق آن در حقوق موضوعه ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، به راهنمایی دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- ۴ - شمسن‌ناتری، محمدابراهیم (۱۳۸۰). سیاست کیفری ایران در قبال جرایم سازمان یافته با رویکرد به حقوق جزای بین‌الملل، رساله دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، به راهنمایی دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- ۵ - علیایی‌زند، شهین‌دخت (۱۳۸۱). ازدواج نامناسب، بستری زمینه‌ساز برای روسپیگری، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۵، پاییز.
- ۶ - قانون مبارزه با قاچاق انسان، مصوب ۱۳۸۳/۴/۲۸ مجلس شورای اسلامی.
- 7- **Brussels Declaration on Preventing and Combating Trafficking in Human Beings**, (2002). Available at: www.belgium.iom.int/STOP-Conference/Conference%20Papers/brudeclaration.pdf.
- 8- Carrington, Kerry. & Hearn, Jane (2003). **Trafficking and the Sex Industry: from Impunity to Protection, Information, Analysis and Advice for the Parliament**, Commonwealth of Australia.
- 9- **Child Trafficking and Action to Eliminate it** (2002). Unbearable to the human heart, International Labour Office, International Programme on the Elimination of Child labour (IPEC), International Labour Organization. Available at: www.ilo.org/public/english/standards/ipec/publ/childtraf/unbearable.pdf
- 10- **Convention for the Suppression of the Traffic in Persons and of the Exploitation of the Prostitution of Others**, Approved by General Assembly resolution 317(IV) of 2 December (1949), entry into force

- 25 July 1951, at: www.ilo.org/public/english/comp/child/standards/convpros.htm.
- 11- **Declaration on the Elimination of Violence Against Women**, 20 December (1993), 85th plenary meeting 20 December 1993, The General Assembly, Available at: www.euowrc.org/13_institutions/5.un/un-en/08.un_en.htm
- 12- Demir, Jenna Shearer (2003). **Trafficking of Women for Sexual Exploitation: a Gender-Based Well-Founded Fear?** Available at: www.jha.ac/articles/a115.pdf
- 13- Ford, Marnie (2001). **Sex Slaves and Legal Loopholes: Exploring the Legal Framework and Federal Responses to the Trafficking of Thai 'Contract Girls' for Sexual Exploitation to Melbourne**, Victoria University, Australia. Available at: www.projectrespect.org.au/resources/sexslaves.pdf
- 14- Harridan, Kate (2003). **No bad women, just bad laws**, Represented at: Stop the Traffic II Conference Australia, October 23-24, 2003. Available at: www.projectrespect.org.au/resources/kateharridan.pdf
- 15- **Human Traffic, Human Rights: Redefining Victim Protection**, Anti-Slavery International (2002). Available at: www.antislavery.org/homepage/resources/humantraffic/Hum%20Traff%20Hum%20Rights,%20redef%20vic%20protec%20final%20full.pdf
- 16- Hughes, Donna M (2004). **The Demand: Where Sex Trafficking Begins**, A Call to Action: Joining the Fight Against Trafficking in Persons U.S. Embassy and the Holy See Pontifical Gregorian University, Rome, June 17, 2004.
- 17- Hughes, Donna M (2001). **The "Natasha" Trade: Transnational Sex Trafficking**, National Institute of Justice Journal, January 2001.

- 18- **ILO Convention 182 on The Worst Forms of Child Labour**, (1999). Adopted on 17 June 1999 by the General Conference of the International Labour Organization at its eighty-seventh session, Entry into force: 19 November 2000. Available at: www.ilo.org/public/english/standards/norm/sources/reptforms/pdf/22e182.pdf.
- 19- Jacobson, Maria (2002). **Interview with Sven-Axel Mansson**. Why do men buy sex? NIKK Magasin.
- 20- Odzer, C (1997). **Patpong Sisters: An American Woman's View of the Bangkok Sex World**. New York: Arcade Publishing & Blue Moon Books.
- 21- O'Neill Richard, Amy (2000). **International Trafficking in Women to the United States: A Contemporary Manifestation of Slavery and Organized Crime**, Center for the Study of Intelligence, Center for the Study of Intelligence 1999-2000. Available At: www.cia.gov/csi/monograph/women/trafficking.pdf.
- 22- Oppermann, Martin (1999). **Sex Tourism, Annals of Tourism Research**, Vol. 26, No. 2.
- 23- **Prostitution and trafficking in women** (2004). (Fact Sheet of Sweden), Ministry of Industry, Employment and Communications, October 2004. Available at: www.regeringen.se/content/1/c6/03/16/20/c3460fc7.pdf.
- 24- **Protocol to Prevent, Suppress and Punish Trafficking in Persons, Especially Women and Children**, Supplementing the United Nations Convention against Transnational Organized Crime [Palermo Protocol] (2000), Available at: www.uncjin.org/Documents/Conventions/dcatoc/final_documents/383e.pdf
- 25- Raymond, Janice G (2002). **The New UN Trafficking Protocol**, Women's Studies International Forum, Vol. 25, No. 5.
- 26- **Recommended Principles and Guidelines on Human Rights and**

- Human Trafficking (2002).** Report of the United Nations High Commissioner for Human Rights to the Economic and Social Council, New York, July 2002. At: [www.unhcr.ch/huridocda/huridocda.nsf/e06a5300f90fa0238025668700518ca4/ca3deb2b05d4f35c1256bf30051a003/\\$FILE/N0240168.pdf](http://www.unhcr.ch/huridocda/huridocda.nsf/e06a5300f90fa0238025668700518ca4/ca3deb2b05d4f35c1256bf30051a003/$FILE/N0240168.pdf)
- 27- Riga, Styliani (2003). **They are Sold Like a Doll.** Trafficking in Women in Greece for the Purpose of Sexual Exploitation. European Master's Degree in Human Rights and Democratisation, Academic year 2002/2003, Vienna, July 2003. Available at: www.univie.ac.at/bim/download/THESIS_Styliana_Riga.pdf.
- 28-**South Asian Association for Regional Cooperation [SAARC] Convention on reventing and Combating Trafficking in Women and Children for Prostitution,** (2002). Available at: www.saarc-sec.org/old/freepubs/conv-traffiking.pdf
- 29- Stalker, P (2002). **The No-nonsense Guide to International Migration,** New Internationalist Publications, & Between the Lines.
- 30-**Ukrainian Teacher Held Over Sex Ring Allegations,** Reuters, September 24, (1999).
- 31-**United Nations Convention Against Transnational Organized Crime,** (2000). adopted by the General Assembly at its Millennium meeting in November 2000. Available at: www.uncjin.org/Documents/Conventions/dcatoc/final_documents/383c.pdf
- 32-**United Nations World Conference Against Racism, Racial Distribution, Xenophobia and Related Intolerance.** The Race Dimensions of Trafficking in Persons - Especially Women and Children. Durban, South Africa (2001). Text available at: www.unhcr.ch/html/racism/index.htm
- 33- Van Liemt, G (2003). **Human Trafficking in Europe: an Economic Perspective,** paper prepared for the 11th Economic Forum for OSCE. Prague, 20-23 May 2003.

